

احکام جادو و جنبل

• روح الله حبیبیان

فالت بگیرم

نوع مشهور این فالگیری‌ها پیش‌گویی آینده افراد و تحلیل مشکلات حال و گذشته آنها است که متخصصان اصلی و کارشناسان ویژه این رشته خانم‌های کولی هستند که با قیافه و لباس متحدالشکل و بعضاً حلقه‌ای در بینی و لباسی کثیف و البته با در دست داشتن صفحهای برنجی که در آن شکل‌ها و اعداد و حروفی نامربوط کشیده شده، در کنار مکان‌های پر گردشگر پرسه می‌زنند و در فرصت مناسب به‌صورت گروهی حمله خود را به سوی مسافر بیچاره آغاز می‌کنند که: «فالت بگیرم، اگر درست گفتم پولم بده و...» و با این جملات آنقدر به اصرار و هجمه ناجوانمردانه خود ادامه می‌دهند که انسان رضایت می‌دهد همه گذشته و آینده و اسرار پنهان زندگی‌اش را در طبق اخلاص گذاشته کف دست خود را در برابر این موجودات ناشناخته رو کند و منتظر تعیین تکلیف سرنوشت و سرانجام خود باشد.

در انتهای این تراژدی غم‌انگیز هم از آن‌جا که معمولاً از حرف‌های یکسان و مشابه این عده هر فردی بخصوص جوانان لبریز از آرزو و امید و البته عشق! احساس خوبی در خودشان احساس می‌کنند مقداری قابل توجه پول بی‌زبان را دو دستی تقدیم این زنان مجهول‌التابعیت کرده، مشتری مالباخته به دنبال بخت و اقبال خود می‌رود و فالگیر محترمه به سراغ صید بعدی!

اشاره

اگر اهل گشت و گذار و سفر به مناطق مختلف کشور عزیزمان باشید حتماً یکی از صحنه‌هایی که در حاشیه مکان‌های سیاحتی به‌خصوص پارک‌ها و فضای سبز اطراف آثار باستانی توجه شما را به خود جلب کرده فعالیت پر رمز و راز فالگیران جورواجوری است که به ادعای کف‌بینی، بخت‌گشایی و غیب‌گویی و... هزینه سفر برخی افراد به‌خصوص جوان‌ترها را تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهند و معمولاً هیچ مشتری را هم ناراضی برنمی‌گردانند. متأسفانه در سال‌های اخیر فعالیت این افراد بسیار وسیع‌تر و متنوع‌تر شده و گرایش جوان‌ها به‌خصوص بانوان به این امور پر رنگ‌تر و نگران‌کننده‌تر شده! جدای از ابعاد مختلف این پدیده و پیامدهای ترویج آن در سطح جامعه حکم شرعی و نگاه فقهی به این معضل اجتماعی، خود داستان مفصلی است که نیاز به توجه و دقت دارد زیرا انجام این کارها، یادگیری و آموزش، مراجعه به فالگیرها و پرداخت پول به آنها و... همه و همه دارای حکم شرعی خاص خودند که در این شماره قصد داریم به آنها بپردازیم.



همکاری حیوان و انسان

نوع دیگر که معمولاً در اطراف مکان‌های مذهبی و دینی مانند حاشیه حرم امامان و امامزادگان یا مساجد مهم مانند مسجد جمکران بیش‌تر دیده می‌شود و در حیطه کاری مردان است و از پایه سنی ۶ یا ۷ سال تا پیرمردان در این حوزه به فعالیت مشغولند همان است که فرد به همراه یک جعبه پر از کارت و پاکت و یک عدد مرغ عشق بی‌رمق فریاد می‌زند: فال حافظ، فال انبیا، فال امام رضا و... و اگر یک لحظه دیر بجنبید مرغ عشق بی‌عشق با منقار مبارک فال شما را از جعبه اسرار بیرون کشیده و لااقل ۵۰۰ تومان مدیون شده‌اید، و از آن‌جا که این فال فقط و فقط مخصوص شماس و به‌درد هیچ انسان دیگری نمی‌خورد اگر پول آن را ندهید فالتان در هوا معلق می‌ماند و خدا می‌داند چه بر سرتان می‌آید، این است که به‌خاطر مدیون نماندن به حیوان زبان بسته هم که شده مجبور می‌شوید پول زور را بدهید و از فال خودتان که معمولاً یک خط شعر به‌همراه چند خط توضیح ناخوانا شبیه به چاپ‌های سنگی قدیم بر روی کاغذی نامرغوب است، مطلع شوید که مثلاً: مشکل بزرگی در زندگی داری که به زودی بر طرف خواهد شد و عنقریب دختر شاه پریان به شما بله خواهد گفت یا برادر دختر شاه پریان با اسبی سفید به خواستگاری شما خواهد آمد و غیره!

به برخی از این امور پیدا می‌کنند که به دنبال یادگیری اسرار و متون آن برمی‌آیند و در زمان کوتاهی خود فالگیرهای قدری می‌شوند و مجالس فخمه‌ای را اداره کرده و چند و چون گذشته و حال و آینده افراد را از تفاله باقیمانده قهوه آنها چنان بیرون می‌کشند که اساتید غربی این رشته که خود پایه‌گذار آن بوده‌اند انگشت به دهان می‌مانند!

البته کلاً در کشورهای غربی به‌خصوص در انگلستان و آمریکا جادوگری و مسائل پیرامون آن از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است حتی به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی در دانشگاه‌های معتبر تدریس می‌شود و افرادی مانند: دیوید کاپرفیلد، کریس آنجل، دیوید بلین و... بعضاً فارغ‌التحصیل همین رشته هستند... که سر کارهای آنها خود داستان مفصلی است که به بحث ما خیلی مربوط نمی‌شود.

واقعیت یا خرافات

قبل از هر چیز مهم‌ترین نکته این است که تکلیف خودمان را با این‌گونه مسائل روشن کنیم و ببینیم این قبیل امور آیا اصولاً همه خرافات و باطل هستند یا خیر؟ شاید انتظار داشته باشید ما هم مانند بعضی روشنفکران بگوییم بابا اینها همه کسک هستند و حاصل خیالات و توهمات یک مشت آدم بیکار و خیال‌پرداز و... در حالی که ما هیچ وقت چنین برخوردی نخواهیم کرد زیرا عقل به ما می‌گوید هر اتفاقی در عالم باید علت و دلیلی داشته باشد اما

لازم نیست همه علت‌های عالم امور شناخته شده طبیعی باشند؛ بلکه همچنان که یک قرص می‌تواند بیماری را بر طرف کند یک دعا نیز می‌تواند، و هم‌چنان که یک ویروس می‌تواند بیماری ایجاد کند چرا یک عامل ناشناخته مانند یک طلسم یا سحر نتواند؟ اصولاً در مقابل این‌گونه مسائل باید کاملاً منطقی و مطابق با تعالیم دینی حرکت کرد. در منطق اسلام، اصل وجود سحر و جادو پذیرفته شده و در برخی آیات قرآن به آنها اشاراتی شده مثلاً در آیه ۱۰۲ سوره بقره از دو ملک که تعلیم سحر به برخی افراد می‌کردند نام برده شده و یا «نفثات فی القعد» (زنان دمنده در گره‌ها) در سوره فلق نیز زنان ساحر معرفی شده‌اند. به‌علاوه بخشی از کارهای این افراد از طریق ارتباط با موجودات نامرئی مانند جنیان است که نه وجود این موجودات قابل انکار است و نه امکان ارتباط با آنها. هر چند آنچه امروزه وجود دارد غالباً ادعاهای بی‌اساس عده‌ای شیاد ناتوان است که با کتاب‌های عتیقه و ابزار و آلات جورواجور ادعای بخت‌گشایی و حل مشکلات و رفع طلسم و... می‌کنند در حالی که از حل مشکلات اساسی خود و زندگی‌شان عاجزند.

علمی ارزنده

همین‌جا لازم است به نکته‌ای مهم اشاره کنیم که از گذشته تا حال در بین علما و بزرگان علوم اسلامی علوم خاصی مانند: جفر، رمل، اعداد و... تدریس می‌شد و از آن‌جا که بسیار محدود و غیررسمی و به دور از اطلاع و دسترسی عموم افراد صورت می‌پذیرفت به «علوم غریبه» شهرت داشت و از طریق قواعد علمی و پیچیده این علوم، پاسخ برخی سؤالات و مجهولات به‌دست می‌آمد که هم اکنون هم افراد بسیار نادری از بزرگان اهل معرفت از این علوم بهره‌مندند و در صحت و درستی این

اصطلاحات است مرأبدال را!

اما شکل پدر و مادر دارتر و سازماندهی شده‌تر که دیگر فالگیر به دنبال مشتری نمی‌گردد بلکه مشتری باید به هزار پارتی و واسطه با گرفتن وقت قبلی به خدمت برسد فعالیت رمال‌ها، دعانویس‌ها، آیینه‌بین‌ها و گروه‌های مشابه است که در اقصی نقاط کشور از گذشته تا حال حضور فعال داشته به کارگشایی از معضلات و مشکلات اساسی خلاق می‌پردازند و اولاً گره‌های کور زندگی مردم را پیدا کرده و آنها را از عمق فاجعه‌ای که نزدیک بود خود و خانواده‌شان را در کام خود فرو ببرد (بعد از گرفتن حق ویزیت قابل توجه) مطلع می‌سازند و سپس برای حل این مشکلات در جلسات متعدد و دستورالعمل‌های عجیب و غریب و البته پر هزینه چاره‌اندیشی می‌کنند. دایره فعالیت این گروه بسیار وسیع بوده از بخت‌گشایی، باطل کردن طلسم، یافتن اشیاء و افراد گمشده گرفته تا ارتباط با ارواح بستگان و حل مشکلات قبر و برزخ آنها گسترش دارد... و البته کار این گروه نسبت به همه گروه‌های دیگر بیش‌تر سکه است و به‌دلیل کثرت مراجعان و مراجعات! و قیمت بالای ویزیت و لوازم جانبی و خدمات پس از علاج و... درآمدی نجومی برای این گروه رقم می‌خورد.

فال آن‌ور آبی!

موارد قبلی همه نمونه‌های داخلی و به‌قول معروف «Made in vatan» بود، اما نمونه‌های خارجی و آن‌ور آبی هم خود داستان مفصل دیگری است که متأسفانه چندین سال است این نمونه‌ها در داخل کشور هم شیوع پیدا کرده و در اکثر مجلات زرد و غیر زرد و سایت‌های فیلتر شده و نشده، انواع و اقسام آن از قبیل فال قهوه، کارت‌های تاروت، پاندول و... ترویج و تبلیغ می‌شوند. تأسف بیش‌تر این است که برخی افراد به‌خصوص خانم‌های محترمه! چنان اعتقادی

و جدی بگیری بر اثر، و اگر اصلاً به آن اعتنایی نکنی هیچ اثری نخواهد داشت.^۲

حکم شرعی این موارد

حرمت سحر و جادو مورد اتفاق همه علماست و هر نوع آموزش، یادگیری، استفاده از آن و پرداخت پول در قبال آن حرام است. تنها در صورتی که انجام سحر به قصد باز کردن سحر و بر طرف کردن آثار آن باشد آن هم در صورتی که مستلزم انجام کار خلاف شرع مانند تهمت زدن به دیگران یا به کار بستن کارهای حرام دیگر نباشد توسط برخی مراجع اجازه داده شده ولی برخی مراجع دیگر رجوع به جادوگران و فالگیران را در هر صورت حرام دانسته‌اند. انجام کارهایی که با سرعت حرکت یا به اصطلاح تردستی همراه است یادگیری آنها حرام نیست هر چند برخی مراجع این امور را اگر شعبده‌بازی باشد حرام دانسته‌اند و پول دادن در قبال آن را جایز نشمرده‌اند البته دیدن آن اشکال ندارد، اما یادگیری و آموزش و استفاده از علومی مانند جفر و رمل و مانند آن اشکالی ندارد به شرط آن که مستلزم حرام دیگری نگردد.

درباره فالگیری هم بعضی از فقها مراجعه به فالگیرها را مطلقاً حرام دانسته‌اند اما برخی دیگر مراجعه به آنها را بدون معتبر دانستن حرف‌هایشان و دادن پول به‌عنوان هدیه را جایز دانسته‌اند اما در مورد خود این آدم‌ها، اصل کسب درآمد از راه سحر و جادو و شعبده و فالگیری طبق نظر بیش‌تر مراجع حرام است. در ضمن فراموش نشود فال حافظ و مانند آن که قبلاً توضیح دادیم با این فالگیری‌هایی که خبر از آینده و امور پنهانی می‌دهند متفاوت است و حرام نیست؛ به‌علاوه انجام تفتنی و به قصد سرگرمی فالگیری با قهوه و مانند آن هم حرام نیست به شرطی که به کار حرام دیگری نکشد.

نکته آخر درباره دعانویس‌ها و افرادی است که از راه‌های خاص برای معالجه افراد استفاده می‌کنند طبق نظر برخی از مراجع انجام این کارها اگر از کتاب‌های معتبر باشد و خود این افراد هم اهل عمل به دستورات دین باشند و خلاف شرعی هم در کارهایشان صورت نپذیرد جایز است و مراجعه به آنها و پرداخت پول به‌عنوان هدیه اشکالی ندارد.

به‌طور کلی این نکته مهم را درباره این کارها فراموش نکنید که موجب حرام دیگری مانند تهمت به دیگران و سوءظن به آنها یا تسخیر جن و ارواح از راه‌های حرام و یا ترویج امور خرافه و خبر دادن از آینده به‌صورت قطعی و... نباشد که به هیچ‌وجه جایز نخواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. تفسیر نمونه، ج ۶ ص ۳۱۷.
۲. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۳۸۱.
۳. تفسیر نمونه، ج ۶ ص ۳۱۸.

علوم شکی نیست.

نقل شده یکی از بزرگواران در جریان بازی معروف ایران و استرالیا دید پسر نوجوانش خیلی بی‌تابی می‌کند و نگران نتیجه است ایشان با چند جبه قند در دستش و از طریق همین علوم محاسبه‌ای کرده به پسرش فرمود: پسر جان این قدر خودت را ناراحت نکن نتیجه بازی ۲-۲ می‌شود! و در مجموع باید گفت اصل وجود و صحت این علوم قطعی است، اما نکته مهم در این بخش هم وجود اکثریت رمالان شیاد و دروغگو است که از ابتدائیات این علوم بی‌بهره‌اند و خلق‌الله را اسیر اصطلاحات و تعابیر گنگ و نامفهوم خود می‌کنند.

چون اصولاً روش‌ها و مبانی این علوم بسیار

پیچیده است و توانایی آموزش و یادگیری علمی مانند:

«جفر جامع کبیر» از عهده هر کسی برنمی‌آید در نتیجه می‌توان

به یقین رسید که این مدعیان، بهره‌ای از حقیقت ندارند.

به‌علاوه در مبانی اولیه این علوم ذکر شده: فرد رمال یا عالم به جفر باید از طهارت ظاهری و باطنی و نیت خدایی برای استفاده و نتیجه‌گیری از این محاسبات بهره‌مند باشد و الا به نتیجه درست نخواهد رسید که بحمدالله این افراد مدعی از این نعمت‌ها برخوردار نیستند!

حقیقت فال و فالگیری

اما داستان «فال» مفصل‌تر از این حرف‌هاست: اولاً روشن است که هیچ عقل سالمی نمی‌پذیرد که آینده افراد و اسرار پنهانی زندگی آنها از باقیمانده قهوه آنها یا از انتخاب تصادفی تعدادی کارت نقاشی شده با تصاویر مضحک و... به‌دست بیاید!

اما به هر حال از گذشته تا حال مسأله فال نیک و بد وجود داشته و دارد؟ در اسلام از فال بد یا همان «تطیر» یا «طیره» بسیار مذمت شده ولی از فال نیک یا «تفال» مذمت نشده است. آورده‌اند که پیامبر خدا ﷺ فرمود «فال نیک بزیند، امید است که به آن برسید.» حتی نقل شده خود آن حضرت نیز گاهی اموری را به فال نیک می‌گرفتند؛ مثلاً وقتی خسروپرویز پادشاه ایران در جواب نامه آن حضرت به قصد توهین مشتی خاک را برای ایشان فرستاد، حضرت این را به فال نیک گرفته فرمودند «به زودی خاک ایران به‌دست مسلمانان می‌افتد».^۲ اما سؤال این جاست که افراد معتقدند فال‌ها در بسیاری موارد به حقیقت می‌رسند چرا؟ مفسرین و علمایی مانند علامه طباطبایی رحمته‌الله در این خصوص معتقدند که نتیجه یک فال در حقیقت اثر روانی و درونی فال و حاصل سوءظن و یا حسن ظنی است که فرد به خدا پیدا می‌کند. یعنی وقتی چیزی را به فال بد می‌گیرد و مثلاً از عدد ۱۳ احساس نحسی می‌کند یا موقع حرکت عطسه می‌زند، از آن‌جا که انتظار رسیدن بلا و مشکلی را می‌کشد خود را در دامان مشکلات می‌اندازد اتفاقاً این حقیقت مضمون برخی روایات نیز هست؛ روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند «اثر فال بد به همان اندازه است که آن را می‌پذیری. اگر آن را سبک و کم اهمیت بگیری کم اثر خواهد بود و اگر آن را محکم